



### اشاره

توسعه متعادل تنها در صورتی می‌تواند محقق شود که «رشد» با «بهبود» در کیفیت زندگی همراه شود که این خود باعث کاهش مسائل اجتماعی می‌شود. این مقاله به دنبال بررسی آن است که آیا چنین شاخص و عبارتی می‌تواند برای جامعه‌ای مانند مالزی درست باشد؟ و آیا ارزش‌های شخصی با رفتار اجتماعی ارتباط دارند؟ چنین برداشتی می‌شود که حوزه مسائل اجتماعی با بالارفتن سطح درآمد افزایش می‌یابد و پیچیدگی مسائل اجتماعی به‌طور منقّی ارزش‌های مثبت را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. از این‌رو به‌منظور افزایش رفاه و به‌خصوص کاهش حوزه مسائل اجتماعی پیشنهاد می‌شود که ما بر القای ارزش‌های مثبت متمرکز شویم.

### دیباچه

به‌طور کلی، اصطلاح «توسعه» در گذشته به منظور معرفی زندگی بهتر ارائه می‌شد. شخصی که از نظر مالی در رفاه به سر می‌برد یا سازمانی که مدرن‌تر بود یا از نظر فنی دارای بازده بیشتری بود و

هر دو، جنبه‌های مادی توسعه را در درجه اول اهمیت قرار می‌دهند. در طول چند دهه اخیر، دیدگاه توسعه اقتصادی به‌وسیله کسانی که سعی می‌کردند مفاهیم چندوجهی و همه‌جانبه توسعه را فرموله کنند؛ مانند معتقدان به توسعه

یا مجموعه‌ای از وسایل برای دستیابی به آن، به‌عنوان نمادهایی از توسعه مدنظر قرار می‌گرفت. بنابراین توسعه به‌طور هم‌زمان بر روی یک هدف؛ یعنی رؤیایی از زندگی بهتر و نظامی از ابزارها برای نزدیکی هرچه بیشتر برای دستیابی به آن تمرکز دارد که

کسانی که از آن استفاده می‌کنند، به بوت‌نقد کشیده شد. به‌عنوان یک نتیجه، شاخص‌ها و معیارهای متنوع دیگری گسترش یافتند تا زمینه ایجاد شاخص‌های مکمل و تصحیح‌کننده برای توسعه، به‌صورت یک واقعیت پیچیده چندبعدی فراهم شود. برخی از اینها شاخص‌های کیفی زندگی مادی را در بر می‌گیرند که به‌وسیله انجمن توسعه برون‌مرزی به‌وجود آمده‌اند. شاخص بین‌المللی گرفتاری‌های انسان به‌وسیله کمیته بحران جمعیت ایجاد شد (۱۹۸۷)، شاخص‌های رفاه اجتماعی (ISW) به‌وسیله تیم کاراکاس، گسترش پیدا کرد (۱۹۹۰) و از شاخص‌های توسعه انسانی (HDI) که بیشتر متداول هستند، می‌توان به محاسبه طول عمر، تحقق آموزش و نیز استانداردهای زندگی اشاره کرد.

در کشور مالزی یک شاخص ترکیبی مشابه، که «شاخص کیفیت زندگی مالزی» نامیده می‌شود، به‌وجود آمد تا توسعه را به صورت چندوجهی مورد ارزیابی قرار دهد. این شاخص اهمیت رفاه اجتماعی را نه در عوامل اقتصادی، بلکه در عواملی چون زندگی خانوادگی و سلامت عمومی، از میان سایر عوامل تشخیص داد. اجزای تشکیل‌دهنده زندگی خانوادگی را درصد طلاق‌ها، میزان تولدهای ناقص، تعداد افراد خانواده و درصد جرم‌های نوجوانان تشکیل می‌دهد، در حالی که سلامت عمومی از طریق محاسبه شمار جنایات (بزهکاری‌ها) و تصادفات جاده‌ای به‌دست می‌آید.

انتخاب و گنجانیدن شاخص‌هایی چون جنایت‌های نوجوانان و بزهکاری‌های آنها برای اندازه‌گیری شاخص کیفیت زندگی، به‌نظر مناسب است؛ چرا که این مفاهیم را از میان عوامل متعددی انتخاب کرده‌ایم که تعیین‌کننده کیفیت زندگی هستند. بنابراین به منظور بهبود کیفیت زندگی و به‌دست‌آوردن رفاه اجتماعی در توسعه اقتصادی، قطعاً یکی از راه‌ها، کاهش قلمرو بزهکاری نوجوانان و به همان نسبت، سایر مسائل اجتماعی است که ممکن است در یک جامعه به‌وجود

## ارزش‌ها، مسائل اجتماعی و توسعه متعادل در مالزی

❖ نویسنده‌گان: رزیتا محمدامین،  
سلامه عبدالله یوسف، محمداسلام محمدحنیف  
ترجمه: مهدی خسروشاهی  
کارشناس ارشد تحقیق در ارتباطات

می‌گیرند، در آن مداخله دهند. در این ارتباط GNP، که به‌عنوان رایج‌ترین شاخص توسعه از آن یاد می‌شود، هم به‌وسیله کسانی که GNP را به‌عنوان یک شاخص به‌وجود آوردند و هم به‌وسیله

انسانی و توسعه پایدار، به چالش کشیده شد. صرف‌نظر از دربرگیری جنبه‌های کمی توسعه که در شکل تولید ثروت خودنمایی می‌کنند، این اندیشه‌ها سعی کردند که جنبه‌های کیفی توسعه را، که مفاهیمی نظیر آسایش انسان و کیفیت زندگی را در بر

آیند. در این خصوص، وجود مسائل اجتماعی به‌عنوان پتانسیل بروز جرایم جدی در نظر گرفته می‌شود و بنابراین باید نسبت به آنها توجه لازم مبذول شود. افزایش روند شکل‌گیری مسائل اجتماعی - خصوصاً در میان نوجوانان - نه تنها از پیشرفت به‌سوی توسعه در یک رفتار کل‌گرا جلوگیری می‌کند، بلکه همچنین مانع از خلق یک تعادل اجتماعی مناسب در آینده می‌شود.

در کشور مالزی، تعداد موردهای گزارش‌شده از مسائل اجتماعی نوجوانان، مثل اعتیاد به موادمخدر، پرسه‌زدن و ول‌گشتن و بزهکاری در آنها رو به افزایش است. برای مثال، تعداد جنایات نوجوانان با افزایشی ۶۲ درصدی مواجه بوده و از ۲۴۰۸ مورد در سال ۱۹۸۰ به ۴۰۱۲ مورد در سال ۱۹۹۵ رسیده است. در طول سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵، ۶۰ درصد از جنایات انجام‌شده توسط جوانان به نوجوانانی اختصاص داشته است که میان ۱۶ تا ۱۸ سال سن داشتند.

اگر بخواهیم اعتیاد به موادمخدر را به‌عنوان مثال ذکر کنیم، در سال ۱۹۵۲، یک جمع ۱۲۸۸ نفری متهم به استفاده از موادمخدر در زیرمجموعه (B) ۳۹ که مربوط به استفاده از داروهای مخدر خطرناک بود، بازداشت شدند، درحالی که در سال ۱۹۹۶، ۲۲۱۶ در زیرمجموعه (A) ۳۹، ۱۱۱۲ نفر در زیرمجموعه سایر بخش‌ها با همان جرم و ۷۸۵۷ نفر به خاطر عمل‌هایی که به موادمخدر ارتباط دارند در بازداشت به‌سر می‌برند. آمارها همچنین نشان می‌دهند که تعداد بیماران مراکز توانبخشی مرتبط با موادمخدر در سال‌های متمادی از ۷۹۰۱ نفر در سال ۱۹۹۳ به ۱۴۱۵۵ نفر در سال ۱۹۹۷ افزایش یافته است، و این درحالی است که مراکز توانبخشی فقط توانایی پذیرش ۱۲۶۰۰ نفر را در سال ۱۹۹۷ داشته است. بدین‌منظور برای به‌دست‌آوردن توسعه متعادل در مالزی، به‌عنوان یک هدف بلندمدت، روند رو به افزایش حوزه مسائل اجتماعی باید مورد‌خطاب و بررسی قرار گیرد. برای رسیدن به این منظور، مطالعه‌ای در رفتار

اجتماعی نوجوانان لازم به‌نظر می‌رسد. به‌علاوه، از آنجایی که رفتارهای یک شخص به ضرورت باید به‌سمت ارزش‌هایی هدایت شوند که به‌طور فردی تأیید می‌شوند، بنابراین، موضوع اساسی که باید از نزدیک مورد تجزیه و تحلیل قرارگیرد، ارزش‌های موردعلاقه شخصی است. در این تحقیق، نوجوانان در مالزی مدنظر هستند. سال‌های نوجوانی مؤثرترین سال‌های زندگی شخصی هستند؛ نوجوانان در طول این دوره شروع به تحقیق و بررسی می‌کنند و ارزش‌هایی که در طول بزرگسالی آنها را همراهی می‌کنند در این دوران شکل می‌گیرند.

به‌علاوه، جهت‌گیری و ادامه موفقیت ملت‌ها به اندازه زیادی به جهت‌گیری آینده نسل‌هایی بستگی دارد که از نوجوانان امروز سرچشمه می‌گیرند. بر این اساس، انجام تحقیقی بر روی ارزش‌های نوجوانان امروز، به‌منظور قانون‌مندکردن یک طرح اجرایی همه‌جانبه در طول سایر سیاست‌های اقتصادی، برای دستیابی به توسعه‌ای متعادل و بهبود در کیفیت زندگی، بر اساس یک برداشت صحیح جهانی ضروری به‌نظر می‌رسد. شماری از عوامل وجود دارند که می‌توانند ارزش‌ها را تحت تأثیر قرار دهند و ما می‌توانیم آنها را به عوامل داخلی و خارجی طبقه‌بندی کنیم.

این عوامل، تعصب دینی، تأثیرپذیری از رسانه‌ها، گروه‌های همسالان، مدرسه و خانواده را شامل می‌شوند. در دنیای امروز که به‌سرعت به سمت جهانی‌شدن پیش می‌رود، ممکن است میزان تأثیر عوامل موجود تغییر کند، در حالی که در همان زمان سایر نظام‌های تعیین‌کننده ارزش در خارج از کشور ممکن است بر روی ارزش‌های محلی تأثیرگذار باشند. درست به همین دلیل است که ممکن است یک فرد ارزش‌هایی را برای مثال در کشور مالزی، به‌خصوص در میان نوجوانان بیابد که به وسیله ارزش‌های غرب تحت تأثیر قرار گرفته باشد. در چارچوب این محدوده است که این سؤال شکل می‌گیرد: آیا احتیاجی به نگرانی ما درباره ارزش‌های

نوجوانان وجود دارد؟ این مطالعه ما را یاری می‌کند تا بفهمیم کدام یک از ارزش‌ها می‌توانند مورد مقایسه قرار گیرند. برای کشوری مثل مالزی، دین به‌عنوان اساس گسترش این معیارها در نظر گرفته می‌شود؛ چرا که دین در جامعه مالزی در محدودکردن ارزش‌ها و رفتار اجتماعی نقشی کلیدی ایفا می‌کند؛ چرا که از نظر اسلام به‌عنوان دین رسمی جامعه مالزی، و اعتقاد به این باور که ارزش‌های همگانی و جهان‌شمولی که در سایر ادیان اصلی الهی یافت می‌شوند، در دین اسلام نیز ارائه شده‌اند. پس ما دین اسلام را به‌عنوان پایه و اساس در تحقیقمان در نظر گرفته‌ایم. ارتباط یک شخص با خدا، با خود و با همه مخلوقات، آنگونه که در اسلام موردنظر است، به‌منظور توسعه و گسترش شاخص‌ها و معیارها مورد استفاده قرار گرفته است.

با توجه به این حقیقت که مالزی شاهد توسعه روزافزون اقتصادی در طول سال‌های دهه ۱۹۹۰ تا قبل از بحران‌های اقتصادی شرق آسیا، با رشدی معادل ۸٪ بوده، این مطالعه بر روی تأثیر پیشرفت اقتصادی بر روی قلمرو مسائل اجتماعی متمرکز شده است. سطح بالای درآمد ممکن است تأکید بر رفاه مادی زیاد داشته باشد، ولی امکان دارد جنبه‌های انسانی توسعه را نادیده بگیرد. بنابراین، این فرضیه مطرح می‌شود که ممکن است سطح بالای درآمد با قلمرو وسیع مسائل اجتماعی رابطه داشته باشد. به‌علاوه، ما نقشی را که ارزش‌ها در کاهش مسائل اجتماعی ایفا می‌کنند، بررسی کردیم تا کیفیت زندگی مردم مالزی را بهبود بخشیم. انتظار می‌رود که ارزش‌های خوب منجر به رفتارهای اجتماعی بهنجار و خوب و نیز باعث کاهش قلمرو مسائل اجتماعی شوند و از طرف دیگر ارزش‌های منفی و نابهنجار ممکن است چنین مسائلی را حادثر کنند. تحلیل‌ها در سطح کوچک و با نمونه‌ای که از ایالت جهور فراهم آمده، انجام شده است.



## روش‌شناسی

داده‌های استفاده‌شده در این مقاله بر اساس یک نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. ۱، ۳ و ۵ دانش‌آموز از ۱۰ مدرسه راهنمایی در ایالت جهور انتخاب شدند که هم شامل مدارس در شهر و هم در روستا می‌شود و نمونه از کلاس‌های دارای معدل بالا، متوسط و کم انتخاب شدند. این کارها به منظور گرفتن (از بین بردن) ناهمگنی جمعیتی با توجه به سن، توانایی‌های تحصیلی، گروه‌های محلی و سایر عوامل انجام شده است. پرسشنامه‌های کتبی در میان دانش‌آموزان در مدارس مربوطه به‌منظور به‌دست‌آوردن اطلاعات پخش شدند.

## مسائل اجتماعی

محمد اسلام حنیف در سال ۲۰۰۲ لیستی از رفتارهای اجتماعی در مالزی را تهیه کرد که مسائل اجتماعی را در متن جامعه مالزی در نظر می‌گرفت و اساس این لیست گزارشی بود که توسط وزیر اتحاد ملی و توسعه اجتماعی مالزی ارائه شده بود. این تحقیق لیست مشابهی را به‌کار گرفته است. پاسخگویان باید شمار دفعاتی که هر یک از مسائل اجتماعی را تجربه کرده بودند، اشاره می‌کردند. بدین‌صورت: هرگز، ۱ دفعه، ۲ تا ۳ دفعه، ۴ تا ۵ دفعه و بیش از ۵ دفعه.

برای هر پاسخگو، ارزش صفر را برای هرگز، یک را برای ۱ دفعه، ۲/۵ را برای ۲ تا ۳ دفعه، ۴/۵ را برای ۴ تا ۵ دفعه و ۶ را برای بیش از ۵ دفعه قرار دادیم. به علاوه ما، حدس می‌زدیم که برخی از پاسخگویان تعداد صحیح دفعات شرکت و حضور در مسائل اجتماعی را با وجود اطمینانی که از محرمانه‌بودن اطلاعاتی که در اختیار ما قرار می‌دهند، فاش نکرده‌اند.

## درآمد خانواده

درآمد خانواده یا از طریق مجموع درآمد پدر و مادر، یا درآمد یکی از پدر و مادر در خانواده‌های تک‌سرپرست و یا از طریق محاسبه درآمد قیّم خانواده اندازه‌گیری می‌شود. این شاخص از طریق پرسشنامه‌های

## در کشور مالزی

### یک شاخص ترکیبی

### مشابه، که «شاخص

### کیفیت زندگی مالزی»

### نامیده می‌شد،

### به‌وجود آمد تا

### توسعه را به صورت

### چندوجهی مورد

### ارزیابی قرار دهد.

### این شاخص اهمیت

### رفاه اجتماعی را نه

### در عوامل اقتصادی،

### بلکه در عواملی چون

### زندگی خانوادگی و

### سلامت عمومی، از

### میان سایر عوامل

### تشخیص داد.

کتبی که به پاسخگویان داده می‌شد به‌دست می‌آمد. گرچه مشخص است که پاسخگویان، یعنی نوجوانانی که به مدرسه می‌روند، ممکن است اطلاعات دقیقی درباره درآمد خانواده خود نداشته باشند. با وجود این، اطلاعاتی که به‌وسیله آنها داده می‌شود، می‌تواند تخمین مناسبی از درآمد خانواده را به ما نشان دهد؛ چرا که آنها دارای نظر درباره میزان دارایی و ثروت خانواده خود هستند.

## تعریف و اندازه‌گیری ارزش‌ها

به نظر راکیچ (۱۹۷۳) ما ارزش‌های غایی را به‌عنوان آخرین وضعیت‌های مطلوب موجود تعریف می‌کنیم، در حالی که ارزش‌های راهگشا را به‌عنوان وضعیت‌های دلخواه از رفتار لحاظ می‌کنیم. ما چشم‌انداز اسلامی را برگزیدیم تا ارزش‌هایی را که از دیدگاه غزالی اساس کار قرار می‌گیرند، و توسط محمد ابوالقاسم (۱۹۷۹) موردبررسی قرار گرفته‌اند، ترسیم کنیم. بنابراین ارزش‌های غایی به‌عنوان ارزش‌هایی توصیف می‌شوند که با اقدامات لازم برای رسیدن به خوشبختی، بر اساس وضعیت نهایی و دلخواه موجود، مرتبط هستند. این ارزش‌ها دربرگیرنده آن چیزی



هستند که ما از آن با عنوان نیازهای روح یاد می‌کنیم که شامل ایمان قوی، خردمندی و اخلاق خوب می‌شوند. نیازهای جسمانی (مادی) که شامل سلامتی، زندگی طولانی و قدرت جسمانی می‌شوند و نیازهای بیرونی (ظاهری) مرتبط با اجتماع و محیط پیرامون شخص که ثروت، تمکن و تکریم و احترام را شامل می‌شوند. از طرف دیگر، ارزش‌های راهگشا با شخصیت یک فرد ارتباط دارند و بر چهار قابلیت روح که عبارتند از: میل و کشش، عصبانیت، دانش یا معرفت و عدالت، استوار هستند. به‌منظور دستیابی به شخصیت مطلوب، این چهار قابلیت باید محکم و استوار، متعادل و هماهنگ با یکدیگر باشند. بنابراین شخصیت یک فرد بستگی به این دارد که آیا آن فرد اعم از زن یا مرد مالک وجودی است با زیاده‌روی، نقصان یا اعتدال و میانه‌روی در میل، عصبانیت و دانش. ما دیدگاه متفاوتی را نسبت به رویکرد تجزیه و تحلیل ارزش‌ها اتخاذ کردیم. ما «باید» را در هر دو نوع ارزش، چه ارزش‌های غایی و چه ارزش‌های راهگشا، به‌عنوان یک معیار مشخص کردیم تا ارزش‌های موجود را مورد مقایسه قرار دهیم. از دیدگاه اسلام به اثبات رسیده است که بایدهای اساسی ارزش‌های غایی ابتدا از نیازهای روح سرچشمه می‌گیرند. سپس از نیازهای جسم و در پایان از نیازهای بیرونی ظاهری سخن به میان می‌آید. برای ارزش‌های راهگشا (ارزش‌های مثبت) یا آنچه باید داشت، حد اعتدالی از میل، عصبانیت و آگاهی (دانش) لازم است، درحالی که استعداد قضاوت و داوری برای به‌دست‌آوردن این حد اعتدال ضروری است. آنچه نباید وجود داشته باشد (ارزش‌های منفی) افراط یا نقصان در میل، عصبانیت و آگاهی و دانش است.

این‌نُه مورد (ایمان قوی، خردمندی، شخصیت اخلاقی خوب، سلامتی، زندگی طولانی، قدرت جسمانی، ثروت، تکریم و احترام) در پرسشنامه‌هایی گنجانده شدند تا دسته‌بندی از نیازها را برای اندازه‌گیری ارزش‌های غایی منعکس کنند. موارد

در یک نظم و منطق تصادفی فهرست و پاسخگویان موظف شدند موارد را به‌طور دلخواه از بیشترین به کمترین دسته‌بندی کنند. میانگین رده‌بندی موارد در هر نیاز طبقه‌بندی و محاسبه شد تا در مجموع سه تا دسته به‌عنوان پاسخ‌دهندگان رده‌بندی شوند.

هر یک از قابلیت‌های میل و کشش، عصبانیت و دانش به‌عنوان یک طبقه برای اندازه‌گیری ارزش‌های راهگشا در نظر گرفته شدند. برای طبقه امیال سه دسته را معین کردیم: پاسخگویانی که دارای ارزش افراط در امیال هستند، پاسخگویانی که دارای نقصان و کمبود در امیال هستند و در نهایت، پاسخگویانی که دارای ارزش میانه‌روی و اعتدال در امیال هستند. یک دیدگاه مشابه برای طبقه‌بندی عصبانیت و دانش نیز به ترتیب اتخاذ شد. فهرستی از گزاره‌ها در نظر گرفته شد تا هر یک از ارزش‌ها را به صورت منظم در پرسشنامه‌ها انعکاس دهند. لازم بود پاسخگویان میزان موافقتشان را از «به‌شدت مخالف» تا «به‌شدت موافق» (به‌شدت مخالف، مخالف، موافق، به‌شدت موافق) در مورد هر گزاره مشخص کنند.

عامل تجزیه و تحلیل، عملی شد تا معین شود که آیا گزاره‌های ساخته‌شده در گروه‌های مناسب قرار گرفته‌اند. این کار به‌منظور مشخص کردن اولویت‌ها در گزاره‌ها و بررسی اعتبار گزاره‌ها در اندازه‌گیری ارزش‌های راهگشا انجام شد. به‌علاوه عامل تجزیه و تحلیل به‌منظور به‌دست‌آوردن اندازه‌ها (امتیازها) برای هر یک از طبقه‌بندی‌ها صورت گرفت. این نمره‌ها از یک تا چهار بود که نمره یک حاکی از وجود حداقل مقدار ارزش راهگشا و نمره چهار نشان‌دهنده مقدار فراوان ارزش راهگشا بود.

چهار عامل شناسایی شدند که اساس گزاره‌های ما را از لحاظ معنایی تشکیل می‌دادند و عبارت بودند از نقصان و کمبود در عصبانیت و افراط و زیاده‌روی در میل (هر دو به‌عنوان ارزش‌های مثبت)، اعتدال و

میانه‌روی در دانش و عصبانیت و میانه‌روی در میل (هر دو به‌عنوان ارزش‌های مثبت).

### یافته‌ها

تحقیق بر روی ۲۸۶۹ دانش‌آموز که نمونه ما را تشکیل می‌دادند، انجام شد. ۴۹/۳٪ از نمونه ما را خانم‌ها و ۵۰/۷٪ از نمونه ما را آقایان تشکیل می‌دادند که از گروه‌های مختلف قومی و مذهبی تشکیل می‌شدند.

### مسائل اجتماعی و سطح درآمد

ما برای تعیین رابطه میان درآمد خانواده و مسائل اجتماعی تحلیل همبستگی را به‌کار بردیم. ما در مجموع فهمیدیم که قلمرو مسائل اجتماعی با بالا رفتن سطح درآمد افزایش پیدا می‌کند. همان‌طور که با علامت مثبت در ضرایب همبستگی نشان داده شده است، ۱۰ مشکل از ۱۵ مشکل اجتماعی، رابطه مثبت معناداری را با سطح درآمد خانواده نشان داده‌اند. از ۱۰ مشکل اجتماعی، تماشای فیلم‌های مبتذل و نوشیدن مشروبات الکلی بیشترین شدت همبستگی را با سطح درآمد داشته‌اند که ضریب همبستگی آنها به ترتیب ۰/۱۰۸ و ۰/۰۹۱ بوده است. جدول «۲» نشان‌دهنده نتایج همبستگی‌های جزئی میان انواع متنوع مسائل اجتماعی و درآمد خانواده است.

این یافته‌های آماری حاکی از آنند که بهبود سطح درآمد در مالزی از طریق توسعه اقتصادی، با توسعه در کیفیت زندگی و به‌خصوص از نظر بهبود در رفتار اجتماعی همراه نیست. به‌جای اینکه مسائل اجتماعی مورد شناسایی قرار گیرند، با افزایش ثروت و تمکن مالی افزایش می‌یابند. بنابراین نتایج آماری با فرضیه‌هایی که ما در قبل مطرح کردیم، سازگارند و آنها را تأیید می‌کنند.

### مسائل اجتماعی و ارزش‌های غایی

همان‌طور که پیشتر ذکر شد، ارزش‌ها نقشی کلیدی در زندگی شخص ایفا می‌کنند و شخصیت فرد را شکل می‌دهند. ارزش‌های مثبت و خوب بالطبع به رفتارهای خوب منجر می‌شوند. بنابراین باعث کاهش قلمرو مسائل اجتماعی می‌شوند و بالعکس.

		کل				جنس	
		مرد		زن			
گروه‌های قومی	مالایی	۹۶۴	(۶۸/۲)	۹۸۷	(۶۷/۹)	۱۹۵۱	(۶۸/۱)
	چینی	۳۸۱	(۲۷/۰)	۳۹۱	(۲۶/۹)	۷۷۲	(۲۶/۹)
	هندی	۶۶	(۴/۷)	۶۹	(۴/۷)	۱۳۵	(۴/۷)
	سایر	۲	(۰/۱)	۷	(۰/۵)	۹	(۰/۳)
شکل	یک	۴۵۳	(۳۲/۱)	۵۱۷	(۳۵/۶)	۹۷۰	(۳۲/۹)
	سه	۴۷۴	(۳۳/۵)	۴۸۸	(۳۳/۶)	۹۶۲	(۳۳/۶)
	پنج	۴۸۶	(۳۴/۴)	۴۴۶	(۳۰/۷)	۹۳۲	(۳۲/۵)
مذهب	مسلمان	۹۶۴	(۶۸/۶)	۹۹۳	(۶۸/۶)	۱۹۵۷	(۶۸/۶)
	مسیحی	۲۵	(۱/۸)	۴۱	(۲/۸)	۶۶	(۲/۳)
	هندو	۶۰	(۴/۳)	۶۱	(۴/۲)	۱۲۱	(۴/۲)
	بودایی	۳۵۲	(۲۵/۰)	۳۳۸	(۲۳/۳)	۶۹۰	(۲۴/۲)
	سایر	۵	(۰/۴)	۱۵	(۰/۱)	۲۰	(۰/۷)
نوع مدرسه	روستایی		(۶۵/۴)	۸۰۸	(۵۵/۵)	۱۷۳۳	(۶۰/۴)
	شهری		(۳۴/۶)	۶۴۷	(۴۴/۵)	۱۱۳۶	(۳۹/۶)
کل		۱۴۱۴	(۴۹/۳)	۱۴۵۵	(۵۰/۷)	۲۸۶۹	(۱۰۰)

جدول ۱:  
توصیف نمونه با  
توجه به پاسخگویی  
دانش‌آموزان

توجه: درصدها در داخل پرانتز نشان داده شده‌اند. جمع موارد در هر طبقه ممکن است با تعداد کل زنان و مردان پاسخگو همخوانی نداشته باشد. این امر به تعداد کسانی بستگی دارد که پاسخگو نبوده‌اند.

نوع مشکل اجتماعی	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
نوشیدن الکل	۰/۰۹۱ <sup>***</sup>	۰/۰۰۰
رابطه ناسالم جنسی	۰/۰۱۰	۰/۳۲۱
دزدی	۰/۰۴۱ <sup>**</sup>	۰/۰۰۳
استفاده از مواد مخدر	۰/۰۰۲	۰/۴۷۰
قماربازی	۰/۰۷۰ <sup>***</sup>	۰/۰۰۱
+ مجاورت نزدیک	۰/۰۱۲	۰/۲۹۵
فرار از خانه	۰/۰۱۶	۰/۲۲۸
ولگردی	۰/۰۴۶ <sup>**</sup>	۰/۰۱۸
مسابقات غیرقانونی موتورسواری	۰/۰۲۳	۰/۱۴۴
فرار از مدرسه	۰/۰۵۰ <sup>**</sup>	۰/۰۱۱
سیگار کشیدن	۰/۰۵۳ <sup>***</sup>	۰/۰۰۸
خرابکاری	۰/۰۵۶ <sup>***</sup>	۰/۰۰۵
گانگستر بازی	۰/۰۷۷ <sup>***</sup>	۰/۰۰۰
زنا	۰/۰۵۷ <sup>***</sup>	۰/۰۰۵
تماشای فیلم‌های مبتذل	۰/۱۰۸ <sup>***</sup>	۰/۰۰۰

جدول ۲:  
ضریب همبستگی  
میان انواع مسائل  
اجتماعی و درآمد  
خانواده

توجه: \*\* و \* به ترتیب نشان‌دهنده معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ و ۰/۰۱ می‌باشد.  
+ مجاورت نزدیک، به موقعیت‌هایی ارجاع می‌شود که زوج‌های ازدواج‌نکرده به صورت مجزا و تنها در یک مکان با هم هستند و حدس زده می‌شود که در یک رفتار آزاد و بی‌قید با هم نامزد باشند.

برای ارزش‌های غایی، نیازهای روح به‌طور ایده‌آل باید در بالاترین طبقه قرار گیرند، درحالی که نیازهای بیرونی و ظاهری باید در پایین‌ترین میزان اهمیت و اولویت باشند. در تحلیلی که بر روی ارتباط میان مسائل اجتماعی و ارزش‌های غایی دانش‌آموزان توسط محمد اسلام حنیف در سال ۲۰۰۲ صورت گرفت، آشکار شد که مسائل اجتماعی بیشتر در میان نوجوانانی رایج است که بهادادن به ظاهر و ارزش‌های بیرونی مثل ثروت، تمکن و احترام برای آنها در اولویت قرار دارد. از طرف دیگر، آنهایی که به ایمان قوی، خرد و رفتار اخلاقی خوب اهمیت بیشتری می‌دهند (یعنی آنها که در طبقه‌بندی ارزش‌ها اولویت را به نیازهای روح می‌دهند) کمتر در معرض مسائل اجتماعی قرار می‌گیرند. آنهایی که نیازهای جسمانی (مادی) را در زندگی در اولویت قرار می‌دهند، در بررسی رابطه‌ها، همبستگی منفی را با مسائل اجتماعی نظیر روابط ناسالم، گریز از مدرسه، سیگار کشیدن و خرابکاری نشان

توسعه ارزش‌محور ممکن است تأثیر بسیار زیادی بر توسعه اقتصادی داشته باشد. اگر دولت مالزی قصد دارد که به یک کشور توسعه‌یافته در معنای واقعی کلمه - آن‌طور که در چشم‌انداز ملی خود بدان امید بسته - بدل بشود، باید تحقق برنامه‌های توسعه‌ای ارزش‌محور را در جامعه به همان نسبت برنامه‌های توسعه اقتصادی و فیزیکی مورد توجه قرار دهد.

می‌دهند. چنین نتیجه‌ای انتظار می‌رفت، زیرا آنهایی که دارای ارزش سلامتی، زندگی طولانی و قدرت بدنی هستند، از فعالیت‌هایی که ممکن است برای امیالشان در زندگی زیانبخش باشد، دور می‌مانند.

یافته‌های محمد اسلام حنیف در سال ۲۰۰۲ از طریق تحلیل همبستگی به‌دست آمده بود. این مطالعه رویه‌ای جدی‌تر را به‌منظور تحلیل بیشتر رابطه میان ارزش‌های غایی و مسائل اجتماعی پیش گرفت. پس از تحلیل رگرسیون استفاده کرد. تحلیل رگرسیون مجزا و جداگانه برای هر مشکل اجتماعی - به‌عنوان متغیر وابسته - بر روی هر (نوع) ارزش غایی به اجرا درآمد. به‌علاوه، میزان توجه پدر و مادر، جنس و درآمد خانواده (در شکل لگاریتم طبیعی) به‌عنوان متغیرهای طبیعی به‌کار گرفته شدند. این‌طور انتظار می‌رفت که اهمیت بالای نیازهای روح (سطح بالای اولویت آن) تأثیری منفی بر روی قلمرو مسائل اجتماعی داشته باشد؛ در حالی که اهمیت فراوان نیازهای مادی و در اولویت قرار گرفتن آنها یک تأثیر منفی را بر مسائل اجتماعی داشت!

یافته‌های آماری تا حدودی با انتظارات اولیه و از آن جمله تحقیق محمد اسلام حنیف که در سال ۲۰۰۲ انجام گرفت، موافق بودند. نوجوانانی که نیازهای روحی را در اولویت قرار می‌دهند، بسیار کم در معرض شش مورد از ۱۵ مورد مسائل اجتماعی قرار می‌گیرند؛ یعنی برای مسائلی از قبیل فرار از خانه، مسابقات موتورسواری غیرقانونی، قماربازی، نوشیدن الکل، گانگستر بازی و رابطه نزدیک داشتن. با این حال این نوجوانان بیشتر در جرایمی مثل سیگار کشیدن، فرار از منزل و دزدی دیده می‌شوند که علت آن مشخص نیست.

از طرف دیگر نوجوانانی که نیازهای بیرونی (ظاهری) را در اولویت قرار می‌دهند و به آن اهمیت می‌دهند، در ۵ تا از ۱۵ مشکل اجتماعی بیشتر دیده می‌شوند که عبارتند از: فرار از خانه، مسابقات موتورسواری غیرقانونی، قماربازی، نوشیدن

الکل و گانگستر بازی؛ اینها به هر حال کمتر در جرایمی که با دود سر و کار دارد، دیده می‌شوند.

آنهایی که نیازهای مادی را در درجه اول اهمیت قرار می‌دهند، کمتر در جرایمی مثل قماربازی و نوشیدن الکل دیده می‌شوند، که این درست برخلاف یافته‌های تحقیق محمد اسلام حنیف در سال ۲۰۰۲ است و این آنگاه حساسیت بیشتری را ایجاد می‌کند که در مباحثات گفته می‌شود که این نوجوانان همان‌هایی هستند که برای سلامتی و عمر طولانی و قدرت بدنی ارزش زیادی قائلند و به‌طور طبیعی از فعالیت‌هایی که ممکن است امیال آنها را محدود کند، خودداری می‌کنند. به هر حال، این نوجوانان بیشتر در جرایمی مثل فرار از خانه، تخریب، دزدی و روابط ناسالم جنسی مشارکت دارند.

اشاره به این نکته جالب توجه است که نتایج رگرسیون هم حاکی از ارتباط کلی میان سطح درآمد و مسائل اجتماعی است. پس از دقت و تمرکز در کنترل عواملی که در تعریف ارزش‌های غایی دخیلند، این نتایج، نتایج اولیه‌مان را مورد حمایت و پشتیبانی قرار می‌دهند؛ مبنی بر اینکه مسائل اجتماعی به همراه وفور نعمت‌ها افزایش می‌یابند.

### مسائل اجتماعی و ارزش‌های راهگشا

ما به تحلیل‌های یکسانی در بررسی ارتباط میان مسائل اجتماعی رسیدیم. از ارزش‌های منفی (نقصان و زیاده‌روی در امیال)، انتظار می‌رود که ارتباط مثبتی با قلمرو مسائل اجتماعی داشته باشند، در حالی که از ارزش‌های مثبت (حد متعادل از امیال و دانش) انتظار می‌رود که به‌طور منفی با قلمرو مسائل اجتماعی ارتباط داشته باشند. همین‌طور که در جدول «۴» می‌بینیم، نتایج نشان می‌دهند نوجوانانی که با نقصان در عصبانیت مواجه هستند، بیشتر دوست دارند در فعالیت‌های غیراخلاقی که در متن جامعه مالزی وجود دارد؛ مانند روابط ناسالم جنسی شرکت کنند. به هر حال این نوجوانان در جرایمی مثل فرار از خانه، ولگردی، سیگار کشیدن و دزدی کمتر دیده می‌شوند.



به‌عنوان یک توصیف می‌توانیم ذکر کنیم که نقصان در عصبانیت ممکن است حاکی از انعکاس ترس این نوجوانان در شرکت در جرایم آخر باشد. [یعنی عدم‌حضور به‌علت ترس]

خاطر نشان می‌کنیم که افراط در امیال، ارتباط مثبت معناداری را با بسیاری از مسائل اجتماعی دارد. به‌جز یک استثنا و آنهم نوشیدن الکل که دارای ارتباطی منفی است. از طرف دیگر مشخص شد که مسائل اجتماعی در نوجوانانی که با این ارزش منفی (مصرف الکل) سر و کار دارند، بیشتر رایج است. این قضیه با آرزوهای ما در آن امیال افراطی سازگار است؛ چرا که اشاره بر حرص و آزی دارد که ما نسبت به عادات و سلاقی افراطی و دلمشغولی نسبت به فعالیت‌های غیرسازنده داریم. بنابراین فردی که دارای افراط در میلی است، آمادگی و استعداد بیشتری برای رفتن به‌سوی حضور در مسائل اجتماعی را دارد.

دانستیم نوجوانانی که دارای ارزش‌های مثبت هستند؛ یعنی ارزش‌هایی مثل حد اعتدال در امیال، و حد اعتدال در عصبانیت و دانش، بسیار کم در اغلب مسائل اجتماعی ظاهر می‌شوند به‌جز چند استثنا و آن هم فرار از خانه (برای حد اعتدال در میل) و دزدی و روابط ناسالم جنسی (برای حد اعتدال در عصبانیت و دانش). ما به‌وسیله بررسی تأثیر عامل هم‌سن‌وسالان به‌عنوان یک متغیر کنترل اضافی در مدل به مطالعه بیشتر این ارتباط پرداختیم و متوجه شدیم که دزدی و روابط ناسالم جنسی ارتباط زیاد معناداری با میان‌روی در دانش و عصبانیت ندارند. به هر حال نتایج برای اعتدال در امیال یکسان باقی می‌ماند. بنابراین به‌طور کلی نتایج حاکی از آن است که داشتن ارزش‌های مثبت برای هدایت به‌سمت یک زندگی با معنی حائز اهمیت است.

ارزش‌های راهگشا به‌عنوان بخشی از متغیرهای کنترل، در تجزیه و تحلیل ارتباط میان درآمد و مسائل اجتماعی محسوب می‌شوند. نتایج نیز حاکی از یک ارتباط

مثبت میان سطح درآمد و بسیاری از مسائل اجتماعی بوده‌اند. این جمله به تأیید مطالعات اخیرمان خواهد پرداخت که: مسائل اجتماعی با افزایش سطح درآمد، افزایش می‌یابند.

### بحث و نتیجه‌گیری

توسعه باید منعکس‌کننده پیشرفت و بهبود در زندگی انسان‌ها باشد. نه تنها در مواد و مفاهیم کمی توسعه، بلکه در جنبه‌های کیفی توسعه نیز بسیار حائز اهمیت است. در این زمینه ارزش‌هایی که پایه‌های اساسی اجزای توسعه را تشکیل می‌دهند در اصل کیفی هستند و این ارزش‌ها هستند که در نهایت تعیین می‌کنند که آیا یک جامعه انسانی، اجتماع یا فرد توسعه‌یافته است یا خیر.

این تحقیق بر اساس این فرض شکل گرفته که یک تأثیر مستقیم از ارزش‌ها بر روی رفتار وجود دارد؛ به‌خصوص رفتار اجتماعی که ممکن است بر روی کیفیت زندگی و نیز رفاه اجتماعی افراد جامعه در فرایند توسعه تأثیرگذار باشد. این تحقیق همچنین فرض را بر این قرار داده است که ارزش‌های منفی منجر به رفتارهای ناخوشایند می‌شوند که حضور در مسائل اجتماعی را به همراه دارند. این فرضیه به‌وسیله نتایج این مطالعه مورد حمایت و تأیید قرار گرفت. این طور فهمیده شد که مسائل اجتماعی با ضریب بالایی با سطح درآمد در ارتباط هستند و نوجوانانی که دارای ارزش‌های راهگشا و غایی منفی هستند، از استعداد بیشتری برای شرکت در معضلات اجتماعی برخوردارند.

باتوجه به افزایش مسائل روزافزون اجتماعی در جامعه مالزی در طول سال‌های اخیر، دولت این کشور تلاش کرده که اهرم‌های مثبتی را در جهت تحت‌پوشش قراردادن این معضلات اجتماعی برعهده بگیرد، که از آن جمله می‌توان به ترغیب کردن پدران و مادران برای گذراندن وقت بیشتر با فرزندانشان و افزایش روند توقیف CDها و نوارهای ویدیویی ناسالم جنسی اشاره کرد. به‌رحال این اهرم‌ها، در بسیاری از موارد فوری و یا در زمان کوتاه اجرا می‌شوند. به‌منظور بازنگری و حل اساسی این مسائل

اجتماعی در درازمدت و مواجه‌شدن با آینده بچه‌ها، احتیاج به دیدگاهی همه‌جانبه‌تر ملموس است. این گره اساسی از مشکل، احتیاج به بررسی دقیق دارد و این به نوبه خود توسعه ارزش‌های مثبت را از طریق برنامه‌های متنوع که بتواند در درازمدت منافع را ایجاد کند، می‌طلبد. این عمل به‌نظر ضروری است، زیرا در نهایت یک قدرت درونی و معنوی و قضاوتی خوب را در افرادی ایجاد می‌کند که دارای نقشی تعیین‌کننده در پایداری در برابر تأثیرات منفی هستند.

دولت مالزی تا حدودی ارزش‌های اساسی را در توسعه اقتصادی، به‌وسیله داشتن رویه‌های ارزش‌محور - شبیه تلقین خط‌مشی‌های ارزش‌گرای اسلامی - تشخیص داده است که اینها همه در دهه ۱۹۸۰ صورت گرفت و در آخرین چشم‌انداز ملی که از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ می‌باشد، نیز لحاظ شده است که امیدواریم به گسترش پرورش جوانانی بینجامد که به مهارت‌های لازم و دانش به همان نسبت ارزش‌های خوب مجهزند.

با وجود این تلاش‌ها، ارتباط مثبت میان مسائل اجتماعی و سطح درآمد که در این تحقیق به آن دست پیدا کردیم، گواه بر این است که توسعه ارزش‌محور ممکن است تأثیر بسیار زیادی بر توسعه اقتصادی داشته باشد. اگر دولت مالزی قصد دارد که به یک کشور توسعه‌یافته در معنای واقعی کلمه - آن‌طور که در چشم‌انداز ملی خود بدان امید بسته - بدل بشود، باید تحقق برنامه‌های توسعه‌ای ارزش‌محور را در جامعه به همان نسبت برنامه‌های توسعه اقتصادی و فیزیکی - و اگر نگوییم بیشتر از آن - مورد توجه قرار دهد.

به‌معنای دقیق کلمه یک برنامه اصلی اجتماعی نیاز به توسعه دارد، تا از برنامه‌های مهم اقتصادی موجود با رویی باز استقبال کند و به توسعه متعادل که به کیفیت بهتر زندگی در مالزی می‌انجامد، برسد.